

تحلیل سبک فکری شعر سپیده کاشانی

دکتر رضا شجری

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان

rshajari@yahoo.co.uk

دکتر الهام عربشاهی کاشی

دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان

e.arabshahi@yahoo.com

چکیده

سپیده کاشانی، شاعری متعهد و آیینی در کاشان است که بخش عظیمی از سروده های او با شعر پایداری و مقاومت انقلاب اسلامی ایران پیوند خورده است. موقعیت فرهنگی، سیاسی-اجتماعی و فضای مذهبی حاکم بر کاشان، سبب شده تا محیط زندگی شاعر نیز سهم بسزایی در تعیین خط و مشی وی در سرودن اشعارش داشته باشد. شعر سپیده، سرشار از عشق، ایمان، اخلاق و تعهد به مبانی و اصول انقلاب اسلامی است. شعر او برگرفته از مفاهیم قرآن کریم و سخنان ائمه اطهار علیهم السلام و سروده های شاعران بزرگی مانند: فردوسی، مولوی، حافظ، مولوی و سعدی است. سپیده کاشانی نماد یک زن مسئول درباره سرنوشت جامعه خویش است که عنصر زمان از کلیدی ترین مؤلفه های شعر او است. سپیده کوشیده تا هنر خود را در جهت خدمت به ارزش های دینی و آیینی به کار گرفته و مفاهیم متعالی اسلامی و اخلاقی را در شعر خود به نمایش بگذارد. در این پژوهش سعی شده تا با روش اسنادی-کتابخانه ای، به تحلیل محتوای سپیده کاشانی در سه سطح عناصر اسلامی، انقلابی و آیینی پرداخته و سبک او در سرودن این اشعار، مورد تحلیل و بررسی قرارگیرد.

کلیدواژه ها: شعر معاصر، سپیده کاشانی، سبک شناسی.

۱. مقدمه

شعر آیینی، شعری متعهد و بیانگر هویت مذهبی و فرهنگی یک ملت است و سرشار از آموزه های دینی، حکمی، اخلاقی و معارف اسلامی است. تار و پود آن، عشق و ایمان، اخلاص و اخلاق، تعهد و التزام به مبانی اعتقادی و باورهای قلبی شیعه است. این گونه شعر، در خدمت آموزه های دینی، اخلاقی و معرفتی نسبت به خداوند متعال و ائمه اطهار علیهم السلام قرار گرفته است. در حقیقت ائمه طاهرين عليهم السلام و عالمان راستین دین، شاعر متعهد را به عنوان شاعر ملترزم و متعهد می پذیرفته اند؛ نه به عنوان دیگر، و واقعیت روح شاعرانه را در اخلاق او هضم می کرده اند چون اهمیت مرامی و تأثیر موضعی شاعران در نشر مکتب و نفوذ دادن آن و نیز کوبیدن جباران و رسوا ساختن ستمگران و بیداد گستران چنان اهمیت داشته است که بدین گونه با آنان رفتار می شده است (حکیمی، ۱۳۸۹: ۲۶). البته شایان ذکر است که شعر باید برای توفیق بیشتر و رسیدن به هدفش، ریشه در تجربیات عاطفی افراد داشته و شاعر آن افزون بر ذوق سیال و شاعرانه و جوشش دورنی با تلاش شاعرانه همراه باشد و در جان ها و اذهان نفوذ کند؛ درحقیقت هر آفرینش ادبی از جمله شعر دستاورد جان هنرمند است و هرچه این جان از دانش ها، فنون، گستردگی، شادابی و سرشاری بیشتر برخوردار باشد شعر قوی تر و دلنشین تر خواهد بود (حسین زاده بولاقی، ۱۳۸۷: ۳۹)؛ چنانکه شعر شاعر امروز ایران اگر برگرفته از فرهنگ، مذهب و مکتب اش باشد، می تواند مفید و موثر در اصلاح جامعه باشد و در دل های مخاطبان خود نفوذ کند؛ زیرا هدایت جامعه بشری به ادبیات متعهد نیازمند است و این تعهد باید مانند جریان خون در پیکره ادبیات - در قلمرو اندیشه و زبان - همواره جریان داشته باشد. تنها راه بازگشت به انقلاب ادبی اسلام در قلمرو اندیشه و زبان است (ایزدپناه، ۱۳۷۸: ۱۴۳). شعر شاعرانی همچون سپیده کاشانی، در راستای اهداف و آرمان های اصیل دینی و انقلابی است و شاعری چون سپیده، نخست یک انقلابی مومن و مبارز است؛ چراکه نویسندگی انقلابی کار انسان انقلابی است و عمل نوشتن و عمل انقلاب ملازم یکدیگرند (برای توضیح بیشتر رک: نزار قبانی ترجمه

فرزاد، ۱۳۶۴: ۸۰-۸۱). در واقع، شعر سپیده، زادهٔ جان او و بافته شده از دردها و سوزهای یک ملت از تبار مستضعفان عالم است، از این رو، شعر او در عمق اذهان و جان‌ها نفوذ کرده است. شعر سپیده هم می‌تواند مصداق این سخن نزار قبانی قرار گیرد که با گلوله‌ها به درون زخم‌ها راه یافته و دردها را با خود می‌آورد و با سرنیزه‌ها قلب‌های خسته را بیدار می‌کند و از رازهای درون و آرزوهای بر باد رفته خبر می‌دهد (نزار قبانی ترجمه فرزاد، ۱۳۶۴: ۷). به عبارت دیگر، قداست شعر سپیده را باید در حقیقت درون خود شعر او جست و جو کرد.

۱-۱ بیان مسأله

سپیده کاشانی، شاعر شعر دینی و آیینی و سرایندهٔ بخشی از شعر پایداری و مقاومت انقلاب اسلامی ایران است و این دو گونه شعر در اصل، پشت و روی یک سکه اند، در نگاه اول، می‌توان از آن به عنوان شعر انقلاب یاد کرد و از سویی شعر دینی امید از آن جهت که پایداری، مقاومت، جهاد و مبارزه در بطن دین نهفته است؛ اما مشترکات و امتیازاتی نیز دارند. شاعر شعر دینی با تعمق و تفکر در آموزه‌های دینی، اخلاقی، شناخت ارزش‌ها و فضیلت‌های معنوی و انسانی به سرودن شعر می‌پردازد. او هنرمندانه به بیان آموزه‌های دینی، قرآنی و معرفتی می‌پردازد و روح و جوهر شعر او آموزه‌های دینی است. شعر ناب او حاصل ژرف اندیشی در قرآن کریم و سخنان متعالی معصومین علیهم السلام و گفته‌ها و سروده‌های شاعران بزرگ، متعهد و نامداری چون حافظ، مولوی، فردوسی و سعدی است. در حقیقت، شعر دینی، شعری هدفمند است و رسالتی سنگین را دنبال می‌کند. شاعر این شعر اگر چه به زیبایی کلام و آراستگی بیان خود اهمیت می‌دهد؛ ولی غایت و هدف شعر او ارائهٔ تصاویر دلکش و زیبا نیست، او می‌کوشد این معانی و حقایق برجسته را با بیانی هنرمندانه طراوت و ملاحظتی تازه بخشد و متناسب با سلیقه‌ها و پسندهای زمانهٔ خویش درآورد. دردی که شاعر آیینی را به زایش، تولد کلمات و پرورش طفل شعری کشاند. این درد همان درد دین، حریت، آزادی و پابندی به فضایل و مکارم اخلاقی و انسانی است. این شاعران پاک و متعهد شعر را در راه بیداری جامعه و دمیدن روح اعتقاد و فضیلت در مردم به کار می‌برد. سپیده کاشانی نیز مایه‌های شعری خویش را از فرهنگ پر بار اسلامی خویش می‌گیرد و و شاعری کاملاً متعهد و معتقد است و بن‌مایهٔ اصلی شعر سپیده همان آموزه‌های اخلاقی و فرهنگی اسلام و ادبیات آیینی و ادب مقاومت و پایداری است.

۱-۲ پیشینه و ضرورت پژوهش

تاکنون دربارهٔ شعر سپیده کاشانی و تحلیل ساختار و محتوا و مضامین آن پژوهش‌های فراوانی انجام شده است؛ برای مثال، طاهری در مقالهٔ «تحلیل محتوایی و ساختاری اشعار سپیده کاشانی» (۱۳۹۸)، با بررسی توصیفی-تحلیلی این شاعر به نوع زبان، مضامین قالب‌ها و تصاویر شعری او توجه داشته است. صادق زاده در مقالهٔ «بررسی ویژگی‌های سبکی و تحلیل محتوایی شعر سپیده کاشانی» (۱۳۷۱-۱۳۱۳)، با تجزیه و تحلیل آثار، زندگی و اندیشه‌های سپیده بهره‌گیری از پژوهش‌ها و نوشته‌های پراکنده در این زمینه تحقیق و بررسی شده است. نعمتی قزوینی و ایشانی در مقالهٔ «بررسی سنجش مضامین سیاسی اشعار سپیده کاشانی و نازک الملائکه» (۱۳۹۲)، با روش توصیفی - تحلیلی و آماری به بررسی اشعار سیاسی و بازتاب مضامین سیاسی در اشعار سپیده کاشانی و نازک الملائکه دو تن از شاعران نوگرای پارسی و عربی پرداخته اند. ایشانی در مقالهٔ «انتقاد در شعر شاعران زن پس از انقلاب (فاطمه راکعی و سپیده کاشانی)» (۱۳۹۴)، به تحلیل انتقادی این دو شاعر و مضامین شعری آن‌ها پرداخته است. سلیمان زاده نجفی، نظری تریزی و احمدی در مقالهٔ «تطبیق نماد و اسطوره در شعر پایداری ایران و فلسطین (مطالعهٔ موردی سپیده کاشانی و زینب حبش)» (۱۳۹۵)، با روش تحلیلی - استقرایی و با رویکرد تطبیقی مکتب آمریکایی به بررسی و تطبیق عناصر نماد و اسطوره در شعر سپیده و حبش پرداخته است. زندگی نامهٔ سپیده کاشانی هم در سال «۱۳۹۵» با عنوان «زندگی نامه و خدمات ادبی و فرهنگی سپیده شعر انقلاب اسلامی بانوی فرهیخته مرحوم سپیده کاشانی» شامل ۱۲ مقاله است که ابعاد مختلف زندگی، شعر و اندیشهٔ سپیده را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است؛ ایشانی هم در «گفت‌مان فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در شعر دفاع مقدس» (۱۳۹۴) به تحلیل محتوایی شعر برخی از شاعران منتخب دفاع

مقدس مانند علیرضا قزوه، فاطمه راکعی، سیدحسن حسینی، سپیده کاشانی، قیصر امین پور و غیره پرداخته است؛ اما تاکنون در باره سبک‌شناسی فکری شعر سپیده کاشانی در سه سطح عناصر اسلامی، انقلابی و آیینی به صورت مستقل و مجزا کاری درخور توجه انجام نشده و در پژوهش‌های پراکنده و غیر منسجم به صورت موردی به برخی از این ویژگی‌ها و مشخصات اشاره شده است؛ از این رو نگارندگان کوشیده‌اند تا در این نگاشته به بررسی همه‌جانبه و کلی آثار سپیده پرداخته و سبک فکری شعر او را مورد تحلیل و بررسی قرار دهند.

۳-۱ محیط و تأثیر آن بر شعر سپیده کاشانی

موقعیت فرهنگی - اجتماعی و فضای مذهبی حاکم بر کاشان، به عنوان دارالمومنین سبب شده تا بستر مناسبی برای پرورش شاعران دینی به وجود آید. کاشان در همه ادوار تاریخی و هنری از غنا و تنوع فراوانی برخوردار بوده و چهره‌های استثنایی از ایمان و علم و ادب و هنر در خود پرورش داده است و آثار بازمانه از ایشان، کاشان را در ردیف پربارترین گنجینه‌های علمی و هنری جهان بعد از اصفهان قرار داده است (برای توضیح بیشتر ر.ک: جمشیدی، ۱۳۹۲: ۲۳۶؛ ملک‌المورخین کاشانی، ۱۳۷۸: ۹؛ اخوان، ۱۳۷۳: ۲۳ و نیز: عربشاهی کاشی، ۱۳۹۸: ۲۳-۲۵). پس سبک هر شاعر تا حد زیادی وابسته به شرایط محیطی و جغرافیایی محل زندگی شاعر است و همین امر سبب شده تا حد زیادی بر ذهن و زبان شاعر اثر بگذارد (نیز ر.ک: شفیع کدکنی، ۱۳۸۲: ۱۵۹). تولد سپیده کاشانی هم در خانواده‌ای مذهبی در کاشان، همچنین تعلیمات مذهبی پدر و آشنایی با اشعار شاعرانی چون مولوی، سعدی و حافظ سبب شد تا سپیده کاشانی از شخصیت کامل و جامع‌الاطراف برخوردار شود؛ به‌گونه‌ای که همواره حجاب و آرامش روحی او مثال‌زدنی بود؛ به نقل از نزدیکان وی، قبل از سرودن شعر نماز و نیایش و تلاوت قرآن داشته است. سپیده کاشانی به مفاهیم انقلاب اسلامی و امام خمینی بسیار علاقه‌مند بود؛ چنان‌که در جبهه‌های آبادان، غرب، جنوب و محله ذوالفقاریه، کودشیخ و غیره حاضر شده و برای تقویت روحیه رزمندگان شعر دفاع و مقاومت می‌خواند (عیسی فر، ۱۳۸۷: ۲۷۱). تمام عوامل مذکور سبب شد تا بر ذهن و زبان سپیده اثر بگذارد و او زبان شعر را در خدمت آرمان‌ها و اندیشه‌های بلند خویش قرار دهد. بانوان کاشانی، در عرصه تعلیم و تربیت، همسران و مادرانی شایسته‌اند؛ تا حدی که بزرگ‌ترین علما و فضلاء قرون اخیر جهان تشیع، و امداد بانوان کاشانی (چه در نقش همسری و چه در نقش مادری) است؛ چنان‌که ملا احمدابوبوردی، فیض کاشانی، ملافتح الله شریف، (نراقی اول و نراقی ثانی و...)، ملامحمدکاشانی معروف به «آخوندکاشی»، آیت الله ملا حبیب الله شریف کاشانی، خاندان یثربی، آیت الله سیدمحمدعلوی، عبدالرسول مدنی، آیت الله غروی، آیت الله رضوی کاشانی و غیره در شمار کسانی هستند که دست پرورده بانوان عالمه و فاضله و عابده در کاشان‌اند (علوی علی آبادی، ۱۳۹۸: ۱۰).

تحولات سیاسی ایران پس از انقلاب مشروطه در جامعه زنان بی‌تأثیر نبود به ویژه آنکه احزاب سیاسی و گروه‌های متعدد مسئله تعلیم و تربیت زنان و اصلاح وضعیت آنان را در رأس برنامه خود قرار داده بودند آنانیکی از عوامل اصلی متمدن بودن را حضور زنان در عرصه اجتماع می‌دانستند و مانع اصلی این حضور را در سبک و شیوه زیستی و سنتی جامعه و نوع پوشاک جست و جو می‌کردند اینان خواستار حضور زن در عرصه اجتماعی شده و از وضع حجاب سخن به میان آوردند. در حقیقت مسئله پوشش و به‌طور خاص حجاب در جامعه ایران از گذشته تا کنون مسئله‌ای حیاتی و هویت‌بخش بوده است (مجتبی، ۱۳۸۹: ۹). سپیده بنابر روایت خود شاعر از دوران کودکی با قرآن مأنوس بوده و بسیاری از سروده‌هایش در نعت پیامبر اسلام (ص) است او نجابت و عفاف فطری و ایمانی راسخ داشت و با تعلیم اسلامی پرورش یافته و در دوران هجوم فرهنگی و کشف حجاب شکایت خود را در دفتر شعرش با نام «پروانه‌های شب» انتشار داد. او در شعرش به تقوا، عفاف و حجاب و زینب وار و فاطمه‌گونه زندگی کردن اشاره مستقیم دارد و زنان ایرانی را دارای چنین سجایای اخلاقی معرفی کرده است (مجتبی، ۱۳۸۹: ۱۱۳) حضور سپیده به همراه برخی از شاعران حوزه هنری پس از عملیات فتح‌المبین در جبهه‌های جنوب و غرب و دیدار از سنگرهای رزمندگان و پیکرهای سوخته سربازان و مدافعان وطن سبب شد تا سپیده در کسوت فرزند زمان خویش درآید و

حماسه‌هایی را که با چشم خویش دیده در قالب واژه و کلمه با زبانی ساده و بی تکلف، اما محکم و پخته ثبت و ضبط کند و مثل همه زنان شاعر و تمام انسان‌های آزاده درد انسان‌های محروم و رنج کشیده را بسراید و رهایی آنان را از ظلم و ستم آرزو کند. در کل اشعار او سرشار از مضامین مذهبی، سیاسی و اجتماعی است (برای توضیح بیشتر ر.ک: کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۵۱). شعر او شعر یک بنده مومن، یک عاشق اهل بیت علیهم السلام، یک زن مسئول در قبال رویدادهای اجتماعی کشور و یک انسان مذهبی خوش فکر با دلی ملامت از صداقت و رأفت و بزرگواری است که زلالی باطن او را هویدا می‌کند. او نسبت به رویدادهای عصر خویش بی تفاوت نبوده؛ برای مثال در شعر « بدرقه » به شهدای کشته شده در مکه در حجریان سال ۱۳۶۶ اشاره داشته است. (حسین زاده بولاقی، ۱۳۸۷: ۸۲-۸۶)

۴-۱ گرایش‌های فکری کلی در شعر سپیده کاشانی

همگام با تولد انقلاب اسلامی ایران، تأثیر پذیری ادبیات فارسی از انقلاب هم به نقطه عطف و اوج خود رسید و اساساً به لحاظ اندیشه و احساس چهره دیگری پیدا کرد که باید از آن به انقلاب ادبی اسلام یا انقلاب ادبی عصر امام خمینی (ره) تعبیر نمود. با کمال تأسف در دنیای ادبیات ایران معاصر به ویژه انقلاب ادبی اسلام با آفت‌های جدی مانند آفت کهنه گرایی، زمان زدگی و اسلام گریزی روبه‌رو است اما در برابر جریان‌های یاد شده، ادبیات و هنر پیوسته با گذشته و حال اسلام ارتباط دارد که از آن می‌توان به عنوان جریان اصیل و یا ادبیات انقلاب اسلامی یاد کرد؛ چراکه قلمرو دوم موفقیت شعر انقلاب اسلامی بعد از پیام و اندیشه در بعد حضور در بستر زمان خویش است، به همین دلیل چکامه‌های شاعران انقلاب در بعد واژه‌ها، ترکیب‌ها، تصویرگری‌های خیال و حتی در بعد قالب و آهنگ، پر از طراوت و نوآوری است تا آنجا که حتی فوجی از واژه‌های غیرشعری و متروک در فضای عطرآگین و پر طراوت شعر انقلاب دوباره جان می‌گیرند و وارد عرصه ادبیات می‌شوند (ایزدپناه، ۱۳۷۸: ۶۰). آفت‌هایی که هرگز در شعر سپیده رسوخ پیدا نکرده و سبب شده تا شعر او در بعد پیام و اندیشه همواره یکه تاز بوده و همواره در بستر زمان جاری گردد؛ سپیده شاعر نسل انقلاب و فرزند زمان خویش است.

ادبیات انقلاب اسلامی یا ادبیات احیاگرانه دارای ویژگی اساسی است: پایگاه آشنایی علوم جهان اسلام

۱. پیوستگی با زمان و سرشار از گنجینه‌های کهن و معارف دینی

۲. عرفان متعالی به لحاظ اندیشه و پیام‌های زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

۳. دردمندی دیندارانه

۴. تقلین محوری در عرصه هنر و سخن آرای

این ویژگی‌های ادبیات انقلاب اسلامی و دینی ما را از سبک‌ها و جریان‌های ادبی دیگر متمایز می‌سازد و فصل سبز تازه‌ای را به روی اهل ادب و هنر می‌گشاید (ایزدپناه، ۱۳۷۸: ۱۶۹).

در بررسی اسامی خاص و پر کاربرد در مجموعه اشعار سپیده کاشانی می‌توان محورهای اندیشه او را از یکدیگر متمایز کرد:

« خداوند متعال، قرآن کریم، محمد (ص)، علی (ع)، زهرا (س)، حسین (ع)، خدیجه، زینب (س)، عباس (ع)، مهدی

(عج) ...»

« نوح (ع)، سلیمان (ع)، خضر (ع)، موسی (ع)، عیسی مسیح، ...»

« جبرئیل، وحی، ملائکه، فرشتگان، ...»

« امام خمینی (ره)، شهید مطهری (ره)، علامه طباطبایی (ره)، دستغیب (ره)، مفتاح (ره)، صدوقی (ره)، اشرفی (ره) ..»

« مجنون، لیلی، شیرین، فرهاد، هجران، ...»

« حافظ، شهریار، سعدی، اقبال، ...»

« نکیسا، درای، شعر، نغمه، ...»

« ایران، خرمشهر، البرز، کارون، آبادان، خمین، تبریز، قم، جماران، فیضیه، ...»

« کربلا، نجف، وادی ایمن، حجاز، مروه، صفا، کعبه...»

« رابعه، نصرت امین، ..»

« خورشید، سینه سرخ، کیوتر، کلاغ، سمندر، نیلوفر، لاله، باران، شقایق، آسمان، دریا، لاله، سرو، نسیم، باد صبا، شبنم، شب و روز، صبح، طلوع، ساقه، ...»

« فنا، عشق، هجران، دل، شب زنده داری، جسم و جان، نیستان، عاشق، زاهد، مرگ، ساغر، سالک، صوفی، شیخ...»

« اسلام، ایمان، ذکر، دین، حج، احرام، دعا، توسل، سوگند، انتظار، استخاره، ليله القدر، وضو، زمزم، سجده، حجاب،

اذان و موذن، روزه، امید، محراب، مسجد، نماز، محرم...»

« صبرا و شتیلا، شبنامه، مستضعفان، یتیم، آزادی، قیام، گلوله، سرباز، کفن، سنگر، خون، شهید، بت شکن، عدالت، ..»

« ابلیس، صدام، حرمله، چنگیز، ابرهه، اهریمن، نمرودیان، صهیون، دژخیم، خصم، ..»

با اندکی تأمل روی این واژه ها می توان پی برد که مولفه ها یا هسته های اصلی در شعر سپیده، عبارتند از: ۱. ستایش خدا و ائمه اطهار و انبیای الهی علیهم السلام ۲. توجه به آموزه های دینی و اخلاقی اسلام ناب محمدی به ویژه در بحث اصول و فروع دین ۳. مقوله انتظار و مهدویت ۴. توجه به مفاهیم مقدس و ارزشی مانند: اسلام، وطن، انقلاب، ولایت و شهید و فرهنگ شهادت ۵. اهتمام به معارف و شعائر حسینی ۶. توجه به شعر و موسیقی ۷. نگاه ویژه به عشق ۸. مبارزه با اقسام دشمن به ویژه مبارزه با استکبار جهانی و طاغوت ۹. مقوله جنگ، دفاع، مقاومت و پایداری ۱۰. توجه خاص به جایگاه زن و ارزش او به دور از هیاهوی جریان های فمینیستی ۱۱. طبیعت و توجه به عناصر آن ۱۲. توجه به عرفان و حماسه.

پس با توجه به آنچه که بیان شد می توان گفت که شعر سپیده تمام مشخصات ادبیات انقلاب اسلامی یا ادبیات احیاگرانه را در بردارد. ایشانی اشعار سپیده را به سه دوره قبل، حین و بعد از جنگ تقسیم کرده و نتایج تحقیقات وی نشان داده که برجسته ترین مضمون موجود در شعر زمان جنگ او، مربوط به شهدا، مفقود الاثرها و خانواده های آنان است و تقریباً بیش از ۵۰ درصد مضامین شعری او به این امر اختصاص یافته و به یقین می توان گفت که اجتماعیات در شعر زمان جنگ سپیده کاشانی نمودی آشکار یافته و او در این دوره شعری خویش، شاعری کاملاً متعهد و اجتماعی است و برخلاف اشعار قبل از جنگ خود که بیشتر به بیان درونیات و احساسات فردی پرداخته، در اشعار زمان جنگ، مسائل برون مرزی بویژه مسأله فلسطین در شعر او برجسته می شود. سپیده در اشعار بعد از جنگ با احساسی لطیف و گاه عاشقانه به بیان احساسات درونی خود پرداخته است (ایشانی، ۱۳۹۴: ۲۲۵).

البته در اینجا ذکر این نکته بسیار ضروری است که شعر سپیده تا حدی هم متأثر از شاعران برجسته عصر خودش مانند شهریار است؛ چنانکه محور اندیشه شعر شهریار عبارتند از:

۱. خدا و اسما و صفات او (عرفان نظری)

۲. سیر و سلوک (عرفان عملی)

۳. ولایت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)

۴. بازگشت به خویشتن اسلامی و فریاد علیه تهاجم فرهنگی غرب و شرق

۵. توصیف زیبای طبیعت که از آیات الهی است

۶. احساس و عاطفه

۷. عظمت صور خیال واژه ها و ترکیب های شعر شهریار (ایزدپناه، ۱۳۷۸: ۲۰۹-۲۱۸). با اندکی تأمل در شعر سپیده

کاشانی می توان پی برد که محورهای اساسی شعر شهریار در شعر سپیده هم ساری و جاری است.

۲- گرایش های فکری جزئی در شعر سپیده کاشانی

۲-۱- پیوند حماسه و عرفان در شعر سپیده

هرچند پیوند حماسه و عرفان و ترویج مبانی فرهنگ شهادت طلبی را پیش از انقلاب و در آثار اندیشمندانی چون

جلال آل احمد و مرحوم شریعتی می بینیم؛ اما باید تجلی بارز آن را در اندیشه ها، افکار، منش و رفتار حضرت امام جست و جو کرد و قطعاً این اندیشه ها آبخشور مضامین و مفاهیم اشعار شاعرانی چون سپیده را تشکیل می داده است. حضرت امام رحمه الله علیه، یک مبارز سیاسی و اجتماعی بودند که دست کم از سال ۱۳۴۲ میدان های سیاست زیادی را تجربه کرده و به عنوان یک عارف برجسته در حوزه نظر و عمل، آنگونه که از احوال و آثار ایشان مشاهده می شود؛ توانستند این اندیشه های به ظاهر متباین را وارد ادبیات انقلاب اسلامی کنند. حضرت امام از ملت ایران و قیام مستضعفین اسطوره می سازد و در عین حال این انقلاب را مظهر تجلی اراده خداوند می داند (قبادی، ۱۳۸۹: ۹۶؛ سعادت مند، ۱۳۸۶: ۳۲۳/۱).

بر درفش خون رنگت، مکتب جلوه خدا بینم / با درای پر شورت، نغمه نکیسایی

(کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۱۶)

به طور کلی در افق اندیشه امام همه چیز در پیوند و ارتباط با خداوند معنا و ارزش پیدا می کند هر شی ای و مفهومی، خواه ارزش های قوی و ملی باشد یا دینی؛ اگر رنگ و بویی از آن صفت مطلق را نداشته باشد، خیال و مجازی بیش نیست و اعتبار و اعتنا را نشاید. حضرت امام (قدس السره الشریف)، به همه جوان های طالب معرفت، وصیت می کنند که شما و همه موجودات، جلوه و ظهور حضرت حق اید. کوشش کنید تا بارقه ای از آن را بیابید و در آن محو شوید و در نیستی به هستی مطلق برسید. می گوید: کسی که به نور معرفت دلش روشن باشد؛ جز نور جمال جمیل همه چیز را ازلا و ابداء، باطل و ناچیز می داند. در حدیث است که پیامبر (ص) بعد از شنیدن این شعر لبید:

الا کل شی ما خل الله باطل / و کل نعیم لا محاله زائل^۱

فرمودند: «این شعر، راست ترین شعرها است که عرب گفته» است (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۱۱۸).

سپیده می کوشد با وجود اینکه شعرش بازتاب کامل تمام این افکار و مفاهیم نبوده؛ دست کم، رنگ و بویی از اعتقادات پاک و اصیل او داشته باشد. در شعر سپیده، مفاهیم ارزشمندی چون: توحید، عشق، عزت، آزادگی، ظلم ستیزی، صبر و پایداری، دانش دوستی، شهادت طلبی، انتظار، نیایش و مناجات جلوه ای ویژه دارند؛ برای نمونه کیست که بداند در بیت ذیل:

دردین بخش این پروردگای زینت آریایان / تو گفتی که بخوانیمت اجابت می کنی ما را را

(کاشانی، ۱۳۸۹: ۴۵)

به آیه معروف « و قال ربکم ادعونی استجب لکم» (غافر: ۶۰) اشاره دارد؛ اینگونه اشارات و تلمیحات قرآنی در شعر سپیده کم نیست؛ برای مثال:

قسم به شکر شهادت که نقش عرش خداست	قسم به عشق که عالم به یمن او برپاست
به آیه قرآن قسم به سوره عصر	قسم به طین و به زیتون، به نمل و سجده و نصر
قسم به نور نبوت به جبرئیل امین	قسم به صدق و صفا و خلوص اهل یقین
ندیده از دیده به رسوایی تو ای مسلمان	که خود فروختی و روح خویش بر سلطان

(همان: ۱۴۳-۱۴۴)

در شعر انقلاب مجموع حماسه و عرفان که در ظاهر متعارض اند؛ یا بهتر بگوییم در یکی بعد زمینی غلبه دارد (حماسه) و در دیگری بعد آسمانی (عرفانی) که با هم تلفیق شده اند؛ به این معنی که هم اوج و اخلاص عارفانه در آن موج می زند و هم تکاپو و ستیز و حرکت در آن برومند و نظرگیر است. این تلفیق در غزل انقلاب آشکارتر است و ما را به غزل حماسی رهنمون می شود (یا حقی، ۱۳۷۸: ۲۰۸) البته حماسه های عرفانی در ادبیات کلاسیک ما سابقه دارد که نمونه بارز آن در مثنوی عرفانی منطق الطیر عطار و با غزل های پرشور حماسی مولوی می توان دید؛ اما این تلفیق و پیوند هیچ گاه در طول تاریخ ادبیات ما مانند شعر مقاومت و پایداری صورت نگرفته است و این از آن جاست که انقلاب حماسه هشت سال دفاع ما بیش از آنکه انگیزه ملی یا آزادی خواهانه داشته باشد؛ انگیزه الهی و دینی داشت

^۱ ترجمه فارسی بیت: هشدار که هر چیز جز خدا باطل است / و هر نعمتی ناگزیر از بین رونده است.

در این حماسه ویژگی های خاص خود را دارد. قهرمان حماسه عرفانی نخست دیو جاه، نام، مسند و قدرت را پایمال ایمان، عزت و مناعت خویش می سازد؛ سپس رهسپار میدان های جنگ با دشمن می شود. او نخست با سلاح تقوا، تزکیه، بینش، دانش، شب زنده داری و تهجد، توسل و استمداد از نفخات روحانی و عرفانی کاملان و واصلان نخست به پاسداری از مرزهای اعتقادی و درونی خویش می پردازد و با این پشتوانه های معنوی، بی باکانه در مقابل تیغ ستمگران می ایستد و می تازد. حضرت امام راحل (ره) در سخنرانی مورخ ۱۳۵۸/۸/۱۰ این مسأله را تأیید کرده و فرموده اند: «شما دیدید که یک ملتی که عددش کم و هیچ اسلحه نداشت و هیچ ابزار جنگی نداشت و هیچ نظامیگری نداشت ابزار ایمان داشت و با ابزار ایمان غلبه کرد بر یک قدرت شیطانی که همه قدرتها دنبال او بودند. این قدرت ایمان بود که یک مشت مردم را که هیچ نداشتند؛ غلبه داد این همان قدرتی بود که در صدر اسلام با یک ابزار کم و یک عدد کم غلبه کردند بر روم با آن بساط بر امپراطوری ایران با آن همه ابزار و با آن چیز، آن ها تهی بودند از ایمان و اینها دست پر بودند در ایمان، غلبه کردند» (معاونت پژوهشی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۸: ۱۲۰).

امروز آن دلاور شب زنده دار شد / با ذکر نام حیدر چیره به خصم دون است

(کاشانی، ۱۳۸۹: ۳۲)

سنگر قهرمان حماسه عرفانی قبل از آنکه آوردگاهی و رزمگاهی برای نبرد با دشمن باشد، خلوت گاه و نیایشگاهی برای گفت و گوی عاشقانه با معشوق ازلی است، خانقاهی است که مریدان و سالکانش در آن سرود عشق را می خوانند و با دست خون، مستانه دف عشق را می نوازند.

بین خانقاه شهیدان عشق / صف عارفان غزلخوان عشق

چه جانانه چرخ جنون می زنند / دف عشق با دست خون می زنند

به رقصی که بی پا و سر می کنند / چنین نغمه عشق سر می کنند

(قبادی، ۱۳۸۹: ۹۶)

در جبهه شعله شعله می سوزد و نفس خویش را خوار و زبون می سازد گاه در مشرق توحید به نیایش می ایستد او گاه در سنگر خون، خصم دون و زبون را نشانه می گیرد؛ او می ستیزد تا خون پاک و پالوده خویش را بر آستان درگه دوست ریزد و با فنای خود به جاودانگی رسد (ر.ک: کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۷۲-۲۷۳).

دهمین روز پیش از پیروزی های زبانی و دینی ۱۳۹۹

به نام عرش به حزب خدای لانه گرفتگی / برون شدی ز حصار تن ای همای سعادت

تمام او شدی و خود جاودانه کردی / به بال همت و آزادگی به اوج رسیدی

در پهنه رزم سخت کوشش دیدم / در عرصه عشق سبز پوشش دیدم

همسنگ یلان جرعه دوست دیدم / سردار بسیج عاشقان در شب وصل

(همان: ۲۷۳)

مرز مبارزه او نیز تنها مرزهای جغرافیایی و معین بین المللی نیست. آوردگاه و میدان ستیز او نیز هرجایی است که بتواند دشمن را از خواسته ها و اهداف و آرزوهایش باز دارد و در دام تسلیم بکشاند یا طعم تلخ شکست را به او بچشاند؛ به تعبیر دیگر حماسه انقلاب با مقاتله یک قوم از یک آب و گل نبود؛ بلکه حدیث حماسه های دل بوده، در میان حماسه سازان انقلاب هر که عارف تر پهلوان تر. سردار حماسه ساز عرصه نبرد، عاشقانه می رزم تا جرعه ای از جام عشق الهی بنوشد. او در عرصه عشق سبزپوش است او از مرزهای اعتقادی و ارزش های دینی و آیینی خود با شمشیر، نیزه و گرز دفاع می کند. سلاح او نیز تنها تفنگ، فشنگ، آرپی جی، خمپاره، کمان و کماند نیست، زنان با سلاح حجاب، دانش آموزان و دانشجویان با کسب آگاهی و معرفت در سنگر مسجد و دانشگاه و دینداران با نیایش و عبادت و همه مردم در سنگر مسجد، با اتحاد و یکپارچگی می توانند اندیشه خصم را نشانه روند؛ پس در نتیجه، سخن سراپان و نویسندگان متعهد می توانند با مسلسل قلم و گلوله جان، سینه خصم را نشانه بگیرند؛ آنگونه که سپیده حس می کرد:

به مسلسل قلم جان چو گلوله می سپارم / که ز من به سینه خصم زمان، ابوذر من!

(همان: ۱۰۱)

قلم سپیده، تنها ابزار بیان احساسات و عواطف و آرزوهای شاعرانه نیست، او از قلم خنجری می سازد تا دیده دشمن را بردوزد و خنجری تا سینه خصم را بردرد.

ولی ای شهید سوگند به شط خون پاک
از برای آنکه شبنامه دشمنان نویسم

پس از این برای دشمن قلم است خنجر من
همه قطره قطره خون من است جوهر من

(همان: ۱۰۱)

در واقع سپیده در شمار شاعرانی بود که از قابلیت غزل هم برای بیان مفاهیم عرفانی و معنوی خود استفاده کرده و از طریق غزل عرفانی - حماسی خود توانست روحیه حماسی و مضامین جنگ تحمیلی را به هم بیامیزد و معجونی ناب را برای مخاطبان خود به ارمغان آورد (برای توضیح بیشتر درباره غزل عرفانی و حماسی ر.ک: خاتمی، ۱۳۹۶: ۱۷). جبهه، تماشاخانه اسرار مشاهدات غیبی است، سکوی پرواز است، میخانه وحدت است، خرمشهر در شعر سپیده، میخانه ای است که خستگان دلسوخته وادی عشق و معرفت را سیراب می سازد و تمام ساحت این شهر مصلاهی عاشقان و خلوتگاه عارفان است. تربت شهیدانش شأن و شوکت تیمم را دارد و بی وضو بر خاک آنان گام زدن روا نیست.

ای که گذر داری از آنجا بگو
ساحت این شهر مصلاهی ماست

کس نزند گام در آن بی وضو
خلوت هر عارف و بیت خداست

(کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۰۸)

دید ای صید حرم صیاد عصیانگر چه کرد
..اهرمن با سرخوشان عشق کز شب تا سحر
حلقه ها می کوفتند از شوق بر آن در چه کرد
در میان شانه بنگر زخم آن نشتر چه کرد
دشته بر کف جامه زهد ریایی شان به تن

در حریم عاشقان آن دیو بد اختر چه کرد
در میان شانه بنگر زخم آن نشتر چه کرد

(همان: ۴۷)

۲-۲- وطن گرایی در شعر سپیده کاشانی

وطن گرایی یکی از ویژگی های شعر معاصر است. عشق به میهن و سرزمین و افتخار و اعتنا به ارزشهای فرهنگی و ملی به خصوص زمانی که کشور در معرض آسیب ها و تهاجمات و تجاوزات بیگانگان (چه از جنس فرهنگی، رزمی) قرار می گیرد. در تقویت روح همدلی و هم فکری و هم اندیشی برای مبارزه با دشمن و کسب استقلال و آزادی جایگاهی ویژه دارد. این اندیشه در شعر و سخن شاعران و هنرمندان عصر مشروطه مانند: فرخی یزدی لاهوتی، عارف قزوینی و غیره نیز سابقه دارد و در شعر شاعران آشنای انقلاب نیز مانند اخوان و همچنین شعر سپیده کاشانی پر رنگ است؛ اما همانطور که گفته شد در شعر انقلاب، وطن تنها محدوده مرزهای جغرافیایی نیست و در ثانی، علاقه شاعران انقلاب صرفا علاقه به آب و خاک نیست. جنگ آن ها برای آب و گل نیست، بلکه حدیث حماسه های دل است. علاقه سپیده به ایران به خاطر ارزش های انسانی، دینی، تاریخی و فرهنگی است که در این سرزمین پر حادثه، در طول قرون متمادی شکل گرفته است، به خصوص او ایران عصر خویش را که نسیم آزادی و رائحه شهادت، آن را معطر کرده و مردم آن را در کوره های آتشین مقاومت و ایثار آزموده، دوست دارد و به قول مجنون عامری:

و ما حب الدیار شعفن قلبی
و لکن حب من سکن الدیار ا
(شراب، ۱۴۲۷: ۳۸۶/۱)

بدین گونه است که در شعر او عشق میهنی و دینی پیوند می گیرد. او بر پرچم خونرنگ این سرزمین جلوه خدا را تماشا می کند و نغمه نکیسا را در آهنگ عشق و حماسه اش در می یابد.

بر درفش خونرنگت جلوه خدا بینم
با درای پر شورت نغمه نکیسایی

(کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۱۶)

او نه تنها مردان را به پاسداری از میهن خویش دعوت می کند، بلکه به عنوان یک زن و مادری شجاع که صحنه های گوناگون نبرد را دیده و طعم سخت کارزار و مقاومت را چشیده، زنان و مادران دیگر را به پایداری و پاسداری از این سرزمین جاوید دعوت کرده و از آنان می خواهد که همچون جان آن را پاس بدارند.

ز بهار بانوی ایران گلزار و کاشانه ات را
پاسش بداریم چنان است بی جان مگر می توان زیست
هر لحظه اندر کمین است آن خصم غارتگر تو
آسان نباید به دست این نوروز جان پرور تو
(همان: ۲۷۷)

او از ایران به عنوان خاک آزادگان یاد می کند که گلهای آزادی و ایمان و صبر یا بزرگانی چون: حافظ، سعدی، شهیار و شهیدانی والا مقام را در دامن خویش می پرورد.
ای خاک لاله پرور، بر سینه صبور
طغیان رود ایثار در اوج آزمون است
(همان: ۳۰)

۲-۳ ستایش زن متعهد و مسلمان ایرانی

ویژگی دیگر شعر سپیده آن است که می کوشد در اشعارش جایگاه والای یک زن متعهد و مسلمان و ایرانی را تصویر کند. او به شیوه بعضی در گذشته، زن را اسیر خواهش های نفسانی یا پنجه های قدرتمند مرد نمی داند تا زمانی که از نظر قدرت جسمانی یا اجتماعی نتوانست با مرد برابری می کند به حيله، نیرنگ، عشوه و فریب، مکر و زرق متوسل شود و او را تسلیم و زیون خویش سازد و عهد شکنی و مکاری پیشه سازد و همواره نفس گونه، مرد زمام او را در دست گیرد.

در حقیقت سپیده هوشمندی شاعرانه را در راستای برآورد نگاه های شهودی قرار داده و از مضامینی چون انقلاب، دفاع مقدس، شعر آیینی و پاسداری ارزش ها سخن گفته است (انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۹۵: ۹).
و نمی تواند مثل بعضی از شاعران آزادیخواه به بهانه اینکه می خواهند زن را وارد عرصه های سیاسی و اجتماعی کنند، او را از پاره ای فضایل و ارزشهای اسلامی و انسانی دور سازند.
میرزاده عشقی می گوید:

با من از یک دو سه گوینده هم آواز شود
کم کم این زمزمه در جامعه آغاز شود
با همین زمزمه ها روی زنان باز شود
لذت از زندگی جامعه احراز شود
زن کند جامه شرم آر و سرافراز شود
عزت و فتح به این جامعه دمساز شود
ورنه زن تا به کفن سر برده
نیمی از ملت ایران مرده

دهمین همایش ملی پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی
دومین همایش ملی پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی
او زن دوران خویش را زنی جسور، گردآفرین، شهیدپرور، بیدار و بیداد ستیز معرفی می کند که در دستی مشعل عشق و در دستی قرآن دارد و با سلاح حجاب در سنگر دین می شکوفد و عطر دل انگیز توحید را می افشاند. دل او آسمانی است و سرشار از نور خدا و عشق و ایمان. او لیلای دشت فضیلت و دریای عشق و محبت است. عزت، شرف، پاکي، آزادی، زهد، بی نیازی از آئینه جمال او می درخشد. نه فریفته غرب می شود که مبادا عفتش را برابند و نه به جادوگر شوق دل می بندد که مبادا دام فریبش نهند.

گردآفرین، آفرین باد بر صبر بار آور تو
رشک بهار است ای زن دامان گل پرور تو
...یک دست قرآن و دستی آن شعله ور مشعل عشق
از شب گذشتی و تابید فجر نوازشگر تو
...مادر دلت آسمانی است از عشق و ایمان جدا نیست
در آن به غیر از خدا نیست تو راست در محور تو
(کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۷۵-۲۷۶)

سپیده در توصیف قیام و مبارزه زنان می گوید:

قیام قامت ای زن چه شوهرها انگیخت
در آفتاب ستم سوز جاودانه ما
درون سنگر ایمان تو با سلاح حجاب
زدی صلاهی رهایی ز شب یگانه ما
(همان: ۲۵)

چنانکه حضرت امام خمینی (قدس السره الشریف)، هم در سخنرانی خود در مورخ ۱۳۵۷/۱۲/۱۵ می فرماید: « زنان در صدر اسلام با مردان در جنگها هم شرکت می کردند ما می بینیم و دیدیم که زنان همدوش مردان بلکه جلوتر از آنان در صف قتال ایستادند خود و بچه های خود و جوانان خودشان را از دست دادند و باز هم مقاومت کردند»

(معاونت پژوهشی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، ۱۳۷۸: ۱۰۶).

۴-۲ ولایت مداری سپیده کاشانی و پیوند آن با مقوله مهدویت

سپیده عاشق امام و فردی ولایت مدار است و با الهام از وصیت نامه امام شعر می سراید؛ سپیده سعی دارد تا با استمداد از مقوله انتظار، ولایت را در اذهان مخاطبان خود جاودانه سازد. سپیده در این خصوص می گوید:

یا رب قسم بر جان مجروحان تبار
تا دولت مهدی خمینی را نگه دار

(کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۴۹)

سپیده در مصیبت رحلت امام و مقتدای خود از عمق جان می نالد و به سوگ می نشیند:

وامصیبت وامصیبت وای ما!
واماما شعله در خرمن زدی
ناله می ریزد کنون از نای ما
و اما ش سوزنده را دامن زدی
بازهم تفسیر کن آیات نور
بعد از این ما و غم و درد و فراق
ماه ما افتاده ای اندر محاق
...سیدما، دردمندا، ای صبور

(همان: ۱۲۷-۱۲۸)

۴-۵ نقش تعلیم و تربیت و اخلاق در شعر سپیده

سپیده کاشانی در شمار شاعرانی است که به تعلیم و تربیت و ارتقای سطح اخلاق توجه ویژه ای داشته است؛ چنانکه سپیده از زبان لاهوتی متخلص به صفا، شاعر معلمه اخلاق نامیده شده که به مستحبات دینی توجه خاصی داشته و در مورد انقلاب هم مردانه وارد شده و در مناطق جنگی غرب و جنوب در پادگان ها حاضر شده و در پشتیبانی از رزمندگان شعر سروده است (اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲: ۱۷). سپیده در جای جای دیوان اشعارش به فضایی مثل صبر، ترک هوای نفس و انانیت، ناپایداری و بی وفایی دنیا، ایثار و غیره اشاره دارد. شعر او حریری یکدست و روان است که با اخلاق و فضایل انسانی در هم تنیده شده و سپیده همانند معلمی خلاق، اخلاق را در صدف ظرافت و ذکاوت به مخاطبانش تقدیم می کند؛ برای مثال:

تو از کدام تباری زن زمانه ما
ز استقامت و صبر و ز پایداری تو
که گشت همت و ایثار تو فسانه ما
شده ست لانه خورشید آشیانه ما

(کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۵)

برخیز و بشکن ای دوست بتخانه درون را
اینک زمان هجرت از خویش تا برون است

(همان: ۳۱)

۴-۶ پیوند ادبیات مقاومت و پایداری و شعر انقلاب با ادبیات عاشورایی و تاریخ اسلام

یکی از هنرهای شگرف سپیده در شعرش، برقراری پیوندی محکم و ناگسستنی بین مضامین انقلاب و دفاع مقدس با واقعه عاشورا در کربلا است. او نه تنها مادران شهدا را به صبر و شجاعت حضرت زینب سلام الله علیها دعوت می کند؛ بلکه همه زنان عصرش را از جنس زینب (س) می داند. شعر سپیده معجونی از حماسه انقلاب و عاشورا است؛ برای مثال:

هزار زینب مظلوم مادرانه بیامد

به دوش پرچم سرخ حسین دارد و بر لب
عزا عزای حسین است و خانه خانه زهرا
پیام دخت علی وه چه عاشقانه بیامد
شمیم کوثر از این سوگ جاودانه بیامد
گشوده عقده و با اشک دانه دانه بیامد
ز مرز کرخه و کارون هزار شاهد دلخون

(همان: ۲۴۹)

قسم به فجر، قسم بر طلوع صبح ظفر
قسم به نام محمد(ص)، قسم به سوره عصر
...به خالقی که گل و سبزه و گیاه و درخت
قسم به سر عفاف و قسم به کشف و شهود
قسم به عزم دلیران، نه راهیان سحر
به آن که شد متجلی به سوره کوثر
به جز اراده او بر نمی دهند و ثمر
به بیخ نور مقدس، سپیده گاه ظفر

(همان: ۲۶۳-۲۶۴)

سپیده با تاسی به معارف و شعائر حسینی در شعر خود، مقوله شهادت و فرهنگ آن را می ستاید و در سراسر سروده هایش به مقام والای شهید اشاره می کند و از شهدای صدر انقلاب و اسلام نیز یاد می کند:

آن شهیدان بلند آوازه، مردان سخن را
شد طلوعی دیگر و فردای دیگر شد مقدر
« دستغیب و اشرفی آن مهربان یاور صدوقی
گشته با آزاده تبریز در خون شناور »

(همان: ۲۶۰)

شفق دیگر شد از خون شقایق اندرین سامان
چنان شیرین بود گلزخم تیغ این شهیدستان
که لبخند شهادت بود لب های گل آرا را
که گلبانگ اذانش می برد با خویش دل ها را

(همان: ۱۹)

۷-۲ توجه ویژه به عنصر غم در شعر سپیده کاشانی (شعر غمگرا)

سپیده شاعری غم گرا است؛ چنانکه در دیوان او بسامد اشعار غمگین بسیار قابل توجه است؛ در حقیقت با در نظر گرفتن بسامد آماری واژه « اشک » در دیوان سپیده می توان فهمید که این واژه از کلمات کلیدی در شعر سپیده است؛ برای مثال:

چو شعر غم مرا کردند جاری در نی هستی
غم او از سوز فراق است:

دلم شکست و غریبانه دارد آوایی
بادت قدوم اشک مبارک که این طیب
ای وای اگر که دامن خود را نگستیریم
رخت بر پرده اشکم دوباره می شکند
یقین ز درد فراق است سوز نای دلم
با کوله باری از دل غمناک می رسد
در پای این عزیز که بی باک می رسد
چنان حباب که از یک اشاره می شکند

(همان: ۵۴)

(همان: ۶۰)

اصلا سپیده، اشک را واسطه ترکیب آب و خاک وجود انسان می داند:

کآبشت عشق است آتشدان دلت
ای به اشک آمیخته آب و گلت

(همان: ۱۸۵)

۸-۲ ترویج روحیه مقاومت و پایداری، دفاع و سازش ناپذیری با دشمنان دین اسلام و انقلاب ۱۳۹۹
از دیگر مفاهیم کلیدی در شعر سپیده توجه به روحیه مقاومت و پایداری و تلاش برای ارتقای آن در بین مردم است؛ چنانکه در جای جای اشعار سپیده به ضرورت و اهمیت این مقوله اشاره شده و سپیده این روحیه را تا بعد از مرگ نیز پایدار و پابرجا دانسته و معتقد است که هیچ گاه این احساس زوال نخواهد پذیرفت؛ عشق او به این سرزمین و با این ارزش های متعالی تمام شدنی نیست و نه تنها با کشتن و سوختن او تمام نمی شود؛ بلکه پس از مرگ و شهادت نیز از مدفن او زبانه می کشد:

به خون گر کشی خاک من دشمن من
تمم گر بسوزی به تیرم بدوزی
..کجا می توانی ز قلبم ربایی
مسلمانم و آرمانم شهادت
بخوشد گل اندر گل از گلشن من
جداسازی ای خصم سر از تن من
در عشق میان من و میهن من
تجلی هستی است جان کندن من
که بعد از من افروزد از مدفن من
بتازد به نیرنگ تو، توسن من
نه تسلیم و سازش نه تکریم و خواهش

(همان: ۱۰۴)

۹-۲ ستایش « دانش » و « خرد » و حکمت در شعر سپیده کاشانی

دانش، خرد و حکمت در شمار عناصر مهم و اساسی در شعر سپیده کاشانی هستند که شاعر همان اندازه که برای سنگر جهاد و مبارزه اهمیت قایل است به همان میزان، سنگر دانش، خرد و حکمت را نیز مقدس دانسته است؛ چنانکه

سپیده در شعری با عنوان «سنگر دانش» پس از اظهار نیایش و ستایش به درگاه خداوند، به پاس آفرینش گوهر ارزشمند علم و دانش، این گوهر را ارزشمندترین گوهری می داند که در مقابل سنگ حوادث آسیب می بیند و از مخاطبان می خواهد، برای مصونیت از گزند سپاه جهل، آفات و شبهات در این سنگر پناه گیرند.

هزار پیکره ویران شود به سنگ حوادث
ولی گزند نبیند به دهر، گوهر دانش
به علم و معرفت، آذین کن ای عزیز دل و جان
که کس ندید وزین سنگری به ز سنگر دانش
(همان: ۷۶)

به رهروان طریق خرد که تا به ثریا
پراکنند همی عطر روحپرور دانش
به خالقی که نیفراشت مهر و ماه و فلک را
مگر به سیره حکمت، مگر به زیور دانش
اگر شود به جهان، زیب علم، گوهر ایمان
به باد طعنه زند در سفر تکاور دانش
(همانجا)

قسم به نون و حرمت قلم، بخوان
بخوان به یاد خاتم پیامبران
بخوان به نام آن کریم مهربان
که حلم و علم و دانش تو در جهان
بهار جاودانه آرد ارمغان
سحر رسیده مادرم! فلق دمیده خواهرم! گذشته شب، برادرم!
بین جهان دگر شده، زمان غم به سر شده، ز عزم و رای رهبرم
نهضت سواد آموزی، جلوه ای ز صبح پیروزی، خواندت به دانش اندوزی
(همان: ۴۹۰)

۱۰-۲ نکوهش دنیا و توصیف ناپایداری آن در شعر سپیده

در شعر سپیده هم مانند بسیاری از شاعران پیش از او، بن مایه هایی از مذمت دنیا و توصیف ناپایداری آن دیده می شود؛ چنانکه در ابیات ذیل سپیده، دنیا را عشوه گری مکار و دلفریب دانسته که زودگذر و ناپایدار است:

دنیای دون، آه دنیا، ناپایداری دریغا!
با جلوه هایی دروغین در چشم ما دلفریب اند

(همان: ۵۶)

۱۱-۲ توجه خاص سپیده به عنصر «زمان»

شعر سپیده، زاده زمان او است و هرگز شعر او جدای از زمان و حوادث اجتماعی عصرش نیست؛ چنانکه سپیده در این خصوص می گوید:

اینک چو برگ، برده شاخ زمانه ایم
فریاد ما ز شاخه چو پژواک می رسد

(همان: ۵۴)

۱۲-۲ بازتاب عاطفه، احساس و انواع زیبایی های هنری و ادبی در شعر سپیده کاشانی

هنر سپیده در ایجاد ترکیب جدید و بدیع ستودنی است؛ چنانکه در نمونه های ذیل می توان به گوشه ای از هنرنمایی های سپیده پی برد:

زندگی تیره شبی بود که در خواب گذشت
مرغ شب بود که بر دامن مهتاب گذشت
قایقی بود که طوفان زده بر آب گذشت
اشک بر دامنم از دیده مهتاب گذشت
(همان: ۳۰۵)

کعبه عزم سفر کن به این دیار بیا
چو عطر غنچه نهران تا کی آشکار بیا
...حریق فاجعه گلهای عشق می سوزد
فرو نشان به قدوم خود این شرار بیا!
...حماسه زار وطن پر شد از تلاوت عشق
بیا ببخش به اسلام اقتدار بیا
(همان: ۲۳۳-۲۳۵)

سپیده در قالب های مختلف شعری مانند قصیده، غزل، رباعی، قطعه و... طبع خود را آزموده است. قصاید او در ستایش مفاهیم مقدس و انسان سازی همچون شهید، جانباز، دانش، عدالت و گاه انسان های بزرگ و برجسته ای

مثل حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف)، حافظ، سعدی، شهریار و ... است و ستایش او درباره شخص آن ها نبوده، بلکه بیشتر در راستای کارهای بزرگ ایشان بوده که از خود به یادگار گذاشته اند.

از سخنوران مورد علاقه او اقبال لاهوری است. او از اقبال نه تنها به عنوان شاعری برجسته، بلکه به عنوان عارفی وارسته یاد کرده که توانسته است مرکب اقلیم عرفان را رام خویش سازد و همای گونه تا قاف عشق به پرواز درآید و در سدره المنتهی آشیان سازد. او می گوید: اگر روزگاری حافظ با سخنان شیرین و شکرین خویش کام مردم هندوستان و بنگاله را شیرین می کرد؛ امروز ایرانیان این شهد و شیرینی را از جام سخنان او می نوشند. حافظ از شهد سخن چون قند تا بنگال برد این زمان ایرانیان نوشند شهد از جان تو

۳- نتیجه

از دیرباز تاکنون، کاشان در شمار یکی از مهم ترین مراکز علمی، مذهبی، هنری، سیاسی، اجتماعی و ادبی بوده و همواره شخصیت های برجسته ای در این دیار بالیده اند؛ چنانکه شاعرانی مانند کلیم کاشانی، محتشم کاشانی و نیز سپیده کاشانی در زمره شاعران متعهد و ممتازی بوده که در این شهر قدبرافراشته و آثار کم نظیری را خلق کرده اند. در این پژوهش، سعی شده تا سبک شناسی فکری شعر سپیده کاشانی، در سه سطح عناصر اسلامی، انقلابی و آیینی مورد تحلیل و بررسی قرارگیرد. در تحلیل گرایش های فکری جزئی در شعر سپیده می توان گفت که عناصری مانند: پیوند عرفان و حماسه، وطن گرایی، ستایش زن مسلمان ایرانی، ولایت مداری و مقوله مهدویت، پیوند ادبیات انقلاب با ادبیات عاشورایی، توجه ویژه به عنصر غم، ترویج روحیه مقاومت و دفاع و عدم سازش با دشمنان دین و انقلاب اسلامی، ستایش دانش، خرد و حکمت و نیز اهتمام به مقوله تعلیم و تربیت و مسائل اخلاقی، توجه خاص به عاطفه، احساس و انواع زیبایی های هنری و ادبی در شعر و مذمت دنیاپرستی از مهم ترین مضامینی هستند که در محور عمودی شعر او دیده می شوند. در حقیقت با این نتایج می توان به این نکته پی برد که شعر سپیده، زاینده حوادث اجتماعی عصر او است و در حقیقت عنصر زمان، کلیدی ترین شاخصه و ویژگی شعر این شاعر متعهد و انقلابی است. سپیده هنر شاعری خود را در جهت خدمت به دین و انقلاب و فرهنگ به کار بسته و از این راه توانسته است شعری نافذ و اثرگذار را بیافریند. البته شایان ذکر است که محیط زندگی شاعر، رشد و بالندگی در یک خانواده مذهبی همراه با آموزش شعر شاعران برجسته ادب فارسی، از دیگر مواردی هستند که سبب شده بر روی فکر و اندیشه این شاعر متعهد آیینی، اثر بگذارد. همچنین پژوهش ما نشان داد که عناصر و مولفه های شاعران بزرگ معاصر وی، افرادی مانند شهریار هم در شعر او راه یافته و واژگان کلیدی و مضامین اصلی شعر ایشان در شعر سپیده کاملاً هویدا است. شعر او زلال و روان و آیینۀ تمام نمای حوادث دوران او است.

منابع

- امام خمینی سلام الله علیه، روح الله (۱۳۸۸)، آداب الصلوه (آداب نماز)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- اخوان، مرتضی (۱۳۷۳)، آداب و سنن اجتماعی فین کاشان، نشر مؤلف، بی جا، چاپ اول.
- اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی کاشان (۱۳۷۲)، در سوگ سپیدار، کاشان، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی کاشان.
- انجمن آثار و مفاخر فرهنگی (۱۳۹۵)، زندگی نامه و خدمات ادبی و فرهنگی سپیده شعر انقلاب اسلامی، تهران: سلسله انتشارات و مجموعه زندگی نامه ها (انجمن آثار و مفاخر فرهنگی).
- ایزدپناه، عباس (۱۳۷۸)، در قلمرو فلسفه ادبیات و ادبیات دینی: جریان شناسی ادبیات معاصر، نقد دینی ادبیات، ویژگی های شاهکار ادبی و ...، تهران: نشر عروج، چاپ دوم.
- ایشانی، طاهره (۱۳۹۴)، «انتقاد در شعر شاعران زن پس از انقلاب (فاطمه راکعی و سپیده کاشانی)»، پژوهشنامه زنان، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱-۲۱.

- ایشانی، طاهره (۱۳۹۴)، *گفتمان، سیاسی و اقتصادی در شعر دفاع مقدس*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- جمشیدی، حسین (۱۳۹۲)، *طایر قدسی: شرحی بر احوال فقیه فرزانه، حکیم متأله و عارف ربّانی علامه آخوند ملا محمد کاشانی*، انتشارات محتشم، چاپ اول.
- حسین زاده بولاچی، شهربانو (۱۳۸۷)، *بررسی شعر بانوان در ادبیات معاصر*، شیراز: نوید شیراز.
- حکیمی، محمد رضا (۱۳۸۹)، *ادبیات و تعهد در اسلام*، قم: نشر دلیل ما، چاپ پانزدهم.
- خاتمی، احمد (۱۳۹۶)، *نگاهی به ادبیات معاصر ایران*، تهران: نشر علم، چاپ اول.
- سعادت‌مند، رسول (۱۳۸۶)، *نامه ها و پیام های امام خمینی (قدس سره الشریف)*، جلد اول، قم: نشر تسنیم، چاپ اول.
- سلیمانزاده نجفی، سیدرضا؛ نظری تریزی، امین؛ احمدی، خاطره (۱۳۹۵)، «*تطبیق نماد و اسطوره در شعر پایداری ایران و فلسطین (مطالعه موردی سپیده کاشانی و زینب حبش)*»، یازدهمین گردهمایی بین المللی انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی ایران، دانشگاه گیلان، صص ۶۲۰-۶۴۲.
- شرّاب، محمد محمد حسن (۱۴۲۷هـ-۲۰۰۷م)، *شرح الشواهد الشعریه فی آفات الکتب النحویه*، جزئی الاول، الطبعه الاولی، موسسه الرساله.
- صادق زاده، محمود (۱۳۹۰)، «*بررسی ویژگی های سبکی و تحلیل محتوایی شعر سپیده کاشانی*» (۱۳۷۱-۱۳۱۳)، مطالعات نقد ادبی (پژوهش ادبی)، شماره ۲۲، صص ۴۳-۶۸.
- طاهری، فاطمه سادات (۱۳۹۸)، «*تحلیل محتوایی و ساختاری اشعار سپیده کاشانی*»، دوفصلنامه علمی کاشان شناسی، شماره ۱۴، پیاپی ۲۲، صص ۲۵۷-۲۸۶.
- عربشاهی کاشی، الهام (۱۳۹۸)، «*تحلیل و آسیب شناسی شعر آیینی شاعران کاشان از سده ششم تا امروز*»، استاد راهنما رضاشجری، رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبان های خارجی دانشگاه کاشان.
- علوی علی آبادی، فاطمه سادات (۱۳۸۷)، «*نقش زنان شیعه کاشان در گسترش علوم و هنرهای اسلامی (از صفویه تا عصر حاضر)*»، دوفصلنامه علمی - تخصصی «*مطالعات پژوهشی زنان با رویکرد اسلامی*»، سال ششم، شماره ۱۱، صص ۵-۲۲.
- عیسی فر، احمد (۱۳۸۷)، *زنان نامدار شیعه*، تهران: نشر رایحه عترت.
- فتح الهی، ابراهیم (۱۳۹۴)، *متدولوژی علوم قرآنی*، ج ۳، تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع).
- قبادی، حسینعلی (۱۳۸۹)، *ادبیات فارسی، انقلاب اسلامی و هویت ایرانی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- کاشانی، سپیده (۱۳۸۹)، *مجموعه آثار سپیده کاشانی*، تهران: نشر موسسه انجمن قلم ایران، چاپ دوم.
- کاشانی، سپیده (۱۳۸۹)، *حکایت آنان که بقا را در بلا دیدند (یادداشت های دو سفر به جنوب)*، تهران، موسسه انجمن قلم ایران.
- محبتی، مهدی (۱۳۸۹)، *پوشش و حجاب زن در ادبیات فارسی: از انقلاب مشروطه تا امروز*، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول.
- معاونت پژوهشی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) (۱۳۷۸)، *جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی (س)*، تهران: نشر موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- ملک المورخین کاشانی، عبدالحسین (۱۳۷۸)، *مختصر جغرافیای کاشان*، مصحح افشین عاطفی، کاشان: مرسل.
- میرزاده عشقی (بی تا)، *نمایش نامه کفن سیاه به نقل از کلیات مصور میرزاده عشقی*، به کوشش علی اکبر مشیر سلیمی، کتاب چهارم نمایش نامه ها، نشر چاوشان نوزایی کبیر.
- میرزاده عشقی (۱۳۷۳)، *کلیات میرزاده عشقی*، به کوشش سید هادی حائری کورش، تهران: سازمان نشر جاویدان.
- نزار قبانی (۱۳۶۴)، *شعر، زن و انقلاب: نزار قبانی (شاعر معاصر عرب)*، ترجمه عبدالحسین فرزاد، تهران: نشر امیر کبیر، چاپ اول.
- نعمتی قزوینی، معصومه؛ ایشانی، طاهره (۱۳۹۲)، «*بررسی سنجش مضامین سیاسی اشعار سپیده کاشانی و نازک الملائکه*»، نشریه ادبیات پارسی معاصر، دوره ۳، شماره ۳، صص ۱۲۵-۱۵۲.